

# نظامی که در مقابل سپیده جوان به زانو در آمده است!

اطلاعیه حزب حکمتیست - (خط رسمی)

سپیده قلیان جزو چندین زندانی سیاسی و مدنی است که در دوره اخیر بدلائل مختلف دست به اعتصاب غذا زده است. سپیده که با پخش اخبار اعتصابات هفت تپه و فولاد از حقوق کارگران دفاع کرده، تا کنون بارها محل بازداشت و زندان او را تغییر داده و اخیرا به زندان قرچک ورامین که از بدترین زندانهای رژیم با شرایط ترسناک زندان، خطر تهدید زندانبانان، عدم امنیت جانی و محرومیت از حداقل نیازهای بهداشتی... منتقل شده است. ... صفحه ۲ ←

## آگهی مزایده: "اصلاحات" حراج شد!

فواد عبداللهی

هدف استراتژیک در این مرحله عادی سازی مناسبات ایران و امریکاست و سیاست اتحادها نیز باید معطوف به همین هدف باشد. در این مسیر نه تنها طیف جمهوری خواهان سکولار و دموکرات، که طیف گسترده اصلاح طلبان و بخش عمده ای از اصول گرایان نیز متحدان واقعی ما هستند. کسی که می گوید در جمهوری اسلامی توسعه سیاسی ناممکن و بدون چشم انداز است در واقع معتقد است جامعه مدنی در ایران چنان ناتوان است که نمی تواند اصلاحات دموکراتیک را به حکومت تحمیل کند. فرخ نگهدار - در باره نخستین کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق) - ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۹

## وقتی که "حقوق مدنی" دست و پاگیر است! ترامپ رئیس جمهور و جانسون نخست وزیر

میشود!  
ثریا شهابی



میکنند تا برجنگی که خودشان، با همه جناح ها و دستجات میانه و راست افراطی در سراسر جهان چند قطبی موجود، بیش از دو دهه است تحمیل کرده اند، و کره خاکی را به منجلاب تقابل و رقابت نظامی و اقتصادی و سیاسی بین خود برای ایجاد توازن قوا تبدیل کرده اند، پرده بیندازند. نه رئیس جمهور شدن ترامپ، این لمپن افسار گسیخته که هر روز یکی از قوانین، حقوق مدنی مردم جهان و آمریکا را به سخره میگیرد و به ارزش های سنتی جوامع غربی دهن کجی و تف میکند، حیرت آور است و نه بر کرسی .. صفحه ۳

ارزش های محدود در جوامع آمریکایی و اروپایی، که تمام چهارچوب ایدئولوژیک بورژوازی غرب در حفظ برتری بر جهان را تشکیل میداد، و میزان عقب گرد از آن، حتی برای خود بورژوازی غرب هراسناک شده است. رسانه های حاکم، شعارهای تبلیغاتی این دو چهره راست افراطی احزاب سنتی پارلمانی در این دو کشور را در کنار شعارهای تبلیغاتی هیتلر قرار میدهند! به شهروندان جهان "هشدار" امکان تکرار سناریو سوخته به قدرت رسیدن فاشیسم هیتلری را میدهند! جناح های دیگر بورژوازی جهانی، انگشت اتهام را به سمت رقبای افسار گسیخته و "بی نزاکت" در صف راست افراطی می گیرند! هشدار میدهند و مرعوب

مقدمه: بوریس جانسون، یکی از شخصیت های دست راستی "پارازیت" در حزب محافظه کار بریتانیا، با رای کمتر از یکصد هزار عضو این حزب، یعنی جمعیتی زیر ۲۵ درصد نخست وزیر بریتانیا شد و در آمریکا زبان رسمی نژادپرستانه دونالد ترامپ علیه شخصیت های پارلمانی با پیشینه "خارجی" گستاخانه تر و دراز تر شد! x سیر رو به رشد تعرض به حداقل ارزش های "جامعه مدنی"، که وجه ثابت و "افتخارآمیز" ساختارهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی، در مقابل شرایط تباه کننده حاکم بر کار و زندگی میلیاردها نفر از بخش اعظم مردم جهان است، حیرت آور است. سرعت تعرض به همان حداقل هایی از حقوق و

عجب اظهار تکان دهنده ای! لطفا کمربندها را سفت ببندید! مسله کاملا روشن است؛ جامعه ایران پس از خیزش های دیماه ۹۶، "اصلاح طلب" و اصولگرا را با اردنگی از صحنه سیاست ایران مرخص کرد. پیام روشن است: مردم از هر دو جناح عبور کرده اند و حکم به سرنگونی جمهوری اسلامی داده اند! طبقه کارگر ایران و کمونیست ها به طور عینی راه حل پایان دادن به فقر و فلاکت و اختناق را نه در "اصلاح" و چانه زنی در بالای نظام اسلامی بلکه از پایین و خلاصی از شر حاکمیتی میدانند که روی دوش محرومین کماکان ارتزاق میکند؛ روی زیادی میخواهد که کسی بعد از زمین لرزه سیاسی دیماه ۹۶ در حالیکه مردم انتخاب شان را کرده اند، ... ص ۴ ←

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## در اعتراض به ادامه بازداشت فعالین هفت تپه و سایر کارگران و زندانیان سیاسی در ایران



گوتنبرگ: شنبه ۳ اوت

ساعت ۱۴.۰۰



مقابل سالوهاین Kungssportsplatsen

تلفن تماس: سارا مرادی

0704499353

تشکیلات گوتنبرگ

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
hekmatist.com

## تجمع اعتراضی در روز دادگاهی

### زندانیان هفت تپه

برای آزادی بی قید و شرط  
آنان و سایر فعالین کارگری  
و زندانیان سیاسی

شنبه ۳ اوت ساعت ۱۴

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی  
در لندن

50 Kensington ct, London, W8 5DD

تماس: بختیار ۰۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

تشکیلات لندن



نظامی که در مقابل ...

های سرکوب و ستم و تبعیض و نابرابری مسئول مستقیم سلامت و امنیت جانی و هرگونه خطری که سپیده قلیان را تهدید می کند، هستند. سپیده قلیان و همه زندانیان سیاسی که بخشا در اعتصاب غذا بسر می برند باید فوراً آزاد شوند. سپیده قلیان باید به محلی امن منتقل و به وکیل و خانواده خود دسترسی داشته و از حق انسانی دفاع از خود برخوردار شود.

سیاست بیشرمانه و زبونانه دستگاه قضایی که حتی قبل از دادگاهی فرمایشی سپیده و دیگر زندانیان، آنها را از حق داشتن وکیل محروم و تحت فشارهای گوناگون و تهدید و مخاطرات جانی تا حد اعتصاب غذا قرار می دهند، تنها زبونی و قلدری و لمپنیسم یک نظام مستبد و غیر مشروع را به نمایش می گذارند.

### کارگران، معلمان، وکلا، زنان، دانشجویان

دفاع از امنیت و سلامت و جان سپیده قلیان، دفاع از آزادی و انسانیت کل جامعه است. جمهوری اسلامی که در مقابل سپیده، به زانو در آمده است در مقابل قدرت و اراده و صدای حق طلبانه شما تاب مقاومت ندارد. اسرای خود را از چنگ دشمنان قسم خورده آزادی و انسانیت رها سازید. سپیده قلیان و دیگر همسرانشان را تنها

سپیده قلیان از اول مرداد ماه در اعتراض به بی حقوقی و بی قانونی و قلدری دستگاه قضایی و امنیتی دست به اعتصاب غذا خشک زده است و اکنون بر اثر عوارض آن به بیمارستان منتقل و سلامت و جان او در خطر است.

دستگاه های عریض و طویل قضایی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی با وجود همه تمهیدات و تهدیدات و شکنجه های جسمی و روحی سپیده و خانواده او، نتوانسته اند سپیده جوان را به زانو در آورد، اما خود به زانو در آمده اند.

طبقه کارگر ایران این دوست جوان و دلسوز و انساندوست خود را تنها نمی گذارد. سندیکاهای کارگری؛ نهادها و کانونهای مدنی و انساندوست، کانون وکلا، کانون معلمان و بازنشستگان، معلمان عدالتخواه، کانونهای زنان، دانشجویان مبارز و استادان شرافتمند و همه آزادیخواهان و مخالفان ظلم و ستم، استبداد و سرکوب و بی عدالتی، می توانند در یک صف واحد و هماهنگ اعتراض شان را با صدای بلند و رسا علیه قلیان را تهدید می کند، اعلام کنند.

دولت روحانی، مجلس شورای اسلامی و دستگاه قضایی رژیم بعنوان دستگاه

نگذارید. درب نظام دولت و مجلس و دستگاه قضایی و زندانهای رژیم را از پاشنه بکنید و تا آزادی فرزندان خود از پای ننشینید. سپیده مبارز و انساندوست و طرفدار حقوق کارگر و انسانیت را که یک تنه در مقابل زور و ستم و قلدری بیشرمانه دستگاه سرکوب

اطلاعاتی و امنیتی و قضایی ایستاده است را تنها نگذارید.

حزب کمونیست کارگری -  
حکمتیست (خط رسمی)

۶ مرداد ۹۸

(۲۸ ژوئیه ۲۰۱۹)

حکمتیست را  
توزیع و پخش  
کنید!

## گزارشی از پیکت واحد حزب در اشتوتگارت آلمان

روز جمعه بیست و هفت جولای، از طرف انجمن دوستی ایران و آلمان فراخوان حمایتی از زندانیان هفت تپه داده شد. که در این تجمع حزب حکمتیست - خط رسمی و سازمان رهایی زن شرکت داشتند. در این تجمع با دهان های چسب زده برای نمایش وضعیت خطرناک جسمانی رفقای دربند امیرحسین محمدی و سپیده قلیان که در خطر جدی هستند نمایش داده شد. در کنار آن با حضار و مردم در محل صحبت می شد تا وضعیت زندانیان دربند هفت تپه و روز جهانی کارگر به گوش بخشی از جامعه آلمان برسد. ضمناً امضاهای حمایتی برای لیست امنیستی اینترنتی برای آزادی زندانیان جمع آوری و ارسال شد.

حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد اشتوتگارت)

مهران رضانی گیوی ۲۷ جولای ۲۰۱۹



نیز حقوق فردی و مدنی مردم نه فقط در قیاس با آزادی مورد مطالبه انسان امروز انگشت شمار و ناچیز است، بلکه بر متن انقیاد اقتصادی توده مردم کارگر به سرمایه و رابطه مستقیم حق و آزادی با مالکیت، از هر معنی مادی و جدی تهی است. و بالاخره، تجربه زندگی مردم این کشورها در دوره های بحران و تنگنای اقتصادی به روشنی نشان میدهد که بقاء و دوام همین حقوق انگشت شمار و فرمال نیز ربط مستقیم به موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه دار دارد و هرچا این حقوق برای سودآوری و انباشت سرمایه دست و پاگیر شده اند، بسادگی مورد تعرض دولت و طبقه حاکم قرار گرفته اند.

(برنامه یک دنیای بهتر)

مارکسیسم امروز هزار بار حق داشت از سی سال پیش بگوید و تکرار کند که: "سخنگویان سرمایه داری احترام به حقوق فردی و مدنی را خصلت مشخصه و یک رکن اصلی نظام خویش اعلام میکنند. واقعیت اینست که از میان ۵ میلیارد انسانی که امروز زیر حاکمیت سرمایه زندگی میکنند، تنها درصد ناچیزی راه، آنهم در کشورهای معدودی، میتوان سراغ کرد که از نوعی حقوق فردی و مدنی تعریف شده و نسبتاً با ثبات برخوردارند. سهم اکثریت عظیم مردم جهان سرمایه داری، بی حقوقی سیاسی کمابیش مطلق، دولت های فعال مایشاء و مستبد، و تروریسم و خشونت سازمانیافته دولتی است. بعلاوه، در خود کشورهای صنعتی اروپای غربی و آمریکا

بورژوازی است. نشستن ترامپ و جانسون بر مسند قدرت در آمریکا و انگلیس حیرت آور نیست. اما خصلت نمای رویدادهای مهمی است. نه به این دلیل که این و آن حزب پارلمانی رقیب در حزب دمکرات آمریکا یا حزب کارگر بریتانیا، به موقع از الفاظ نژادپرستانه و ضدزن و ضدخارجی و ضدپناهنده و ضد مردمی آنها عکس میگیرند و تلاش میکند که از آنها در رقابت های پارلمانی برای پیشروی خود "شال و کلاه" بدوزد! بلکه از این رو که این رویدادها خصلت نمای دوران ویژه ای است که در آن بار دیگر حقانیت مارکس و راه حل مارکسیست ها، مهر خود را بر رویدادهای جهان می کوبد. حقانیت مارکس، پاسخ و راه حل مارکس، را می طلبد.

جنبش های ساختارشکنانه از پایین، که در مقابل منافع طبقه حاکم و علیرغم آن مقاومت میکند، است که میتواند امروز حتی از همان حداقل هایی از حقوق مدنی کسب شده در این جوامع پاسداری کند و در مقابل فوران لجنزار موجود، سد ببندد. در پاسخ به مقتضیات و نیاز کارکرد نظام های کاپیتالیستی بحران زده در قلب "تمدن" های بورژوازی جهان، تعرض به سرپای "روبنای سیاسی و فرهنگی"، تعرض به همه ارزش ها و دستاوردهای کسب شده طبقه کارگر و جنبش های مترقی، از حرمت زن و شهروندان تا حق اعتصاب و دسترسی به بهداشت و مسکن و آموزش، تنها راه "حفظ نظام" است.

از این رو است که در جوامعی که در آن شهروندان تاریخا از حداقل حقوق مدنی برخوردار بودند و در مقایسه با کشورهایی که در آن مردم نسل پس از نسل سهم شان از "حقوق مدنی" بطور دائم تروریسم و خشونت سازمانیافته حکومت های مستبد و فعال مایشاء است، نماینده "تمدن معاصر" در سطح رسمی بودند، یکی پس از دیگری مورد تعرض قرار گرفته است.

واقعیت این است که این جانسون و ترامپ نیستند که این شرایط را فریاده اند! این شرایط است که آنها را به جلو صحنه کشانده است. دادن تصویر آشفته بازار، درهم و غیرقابل درک و بن بست، که هرروز توسط اربابان رسانه های چپ و راست رسمی تولید میشود، تنها و تنها به این منظور است که به جهانیان بقولانند که راهی جز تن دادن به آلترناتیوهای بورژوازی در دسترس و در چهارچوب دموکراسی های پارلمانی وجود ندارد. برای پرده پوشی بر این واقعیت است که تنها راه حل، بیرون و خارج از نظام و خارج از سنت های بورژوازی و آلترناتیو های

وقتی که حقوق مدنی ...

نخست وزیر نشستن "انگلی" چون آقای جانسون در بریتانیا. این ترامپ و جانسون نیستند که علاوه بر مردم "جهان سوم"، شهروندان در جوامع غربی را زیر حملات ارتجاعی و تحمیل عقب گردهای تاریخی کشانده اند. برعکس این نیازهای نظام کاپیتالیستی در پیشرفته ترین دمکراسی های پارلمانی است که از این گنبدیده ترین شخصیت های راست، رئیس جمهور و نخست وزیر نشسته بر قدرتمندترین کرسی های حکمرانی ساخته است تا جهان را بیش از پیش به لجنزار سیاست های سوپر دست راستی تبدیل کنند. در این سیر، از نقطه نظر منافع بورژوازی غرب، از پیش پا برداشتن همرمانع و سد، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در خود جوامع غربی، نه تنها مجاز و "اوکی"، که نشان استحکام رای و قدرت طبقه ای است که عزم کرده است که "به هرقیمت" بماند! کنار گذاشته شدن زبان های دیپلماسی سنتی و "بی نزاکتی سیاسی" و دهان دریدگی و لجن پراکنی بر سروصورت، نه تنها "دشمنان" در جوامع فقیر زده و عقب مانده حاشیه "جهان متمدن"، که در مرادوات بین شخصیت های پاستوریزه و "بانزاکت" پارلمانها و وزارت خانه ها و رقبای انتخاباتی در کمپین های انتخاباتی و رقابت های سیاسی، خصلت نمای اعلام آمادگی طبقه ای است که حاضر است برای حفظ منافع نظام کاپیتالیستی که به بن بست و بحران خورده است، از همه "موانع" عبور کند. در این راه، دمکراسی های پارلمانی آن چهارچوبی است که عبور از همه مرز و محدوده ها را در ساختارهای سیاسی برایشان ممکن می کند.

در این تند پیچ هم، همچون همه تند پیچ های تاریخی مشانه، تنها و تنها پیشروی



آگهی مزایده ...

هنوز در ضیافت و سیاحت "اصلاح نظام" تشریف داشته باشد؛ هنوز سینه چاک بند و بست از بالا باشد؛ به بهانه "عادی سازی مناسبات ایران و آمریکا" مشغول رفع گیر کارکرد سرمایه داری در ایران و عمر خریدن برای آن باشد؛ امروز چه آنها که حول احزاب حکومتی و چه آنها که در هیات امثال کسانی چون آقای نگهدار و "حزب" متبوع ایشان در طیف اپوزیسیون پرو - رژیم قرار دارند، بار دیگر در مقابل "خطر" خیزش محرومین از پایین، به "وحدت کلمه" بازگشته اند؛ "کنگره" میگیرند، به همدیگر زنگ میزنند، "خطر" انقلاب را به هم گوشزد میکنند، مردم را تحقیر میکنند، به کمونیسم دشنام میدهند. اولین بار گروههای رنگارنگ این طیف توده - اکثریتی در دفاع از رژیم اسلامی دوران خمینی "وحدت کلمه" را یافته بودند؛ بعدها حول شمایل رفسنجانی گرد آمده بودند، اسلام مدرن شده بود، جامعه "مدنی" شده بود و اینها همگی بال گرفته بودند به ایران برگردند؛ و ناگهان با طراحی قتل های متعدد در خارج از کشور و ترور "میکونوس" کارنامه رفسنجانی بسته شد؛ دبیرسیون در این طیف بالا گرفت و یواشکی صحنه را جا گذاشتند. و سرانجام خاتمی عروج کرد؛ فیل این جماعت دوباره یاد هندوستان کرد و با عبای خاتمی نسبت به اعاده سهم شان در قدرت آویزان و خوشبین بودند؛ بوی گند آن دوران هنوز در مشام همه تازه است. این طیف چه در دوران شور جوانی که شیفته "میهن مستقل" و رها از ستم "عروسک امپریالیسم" بود و چه امروز که دوران بلوغ سیاسی و ظاهرا غلبه "عقل" بر "شور" جوانی را تجربه میکند تاریخا در پس هر تکان اجتماعی که پایه های نظام متبوع شان را بلزاند فورا حول "استراتژی وحدت کلمه" متحد میشوند. آرمان، همان

آرمان است. اردو همان اردو است؛ دوستان همان دوستان اند؛ دشمنان همان دشمنان اند؛ اصطلاحات و فرهنگ و اخلاقیات و هنر همان است که بود؛ اینها نسبت به هم چه در حاکمیت و چه در بیرون حاکمیت، "خودی" اند؛ عکس العمل هیستریک مشترک شان علیه "غیر خودی ها" بویژه علیه کمونیستها و روحیه انقلابیگری، مناسبات شان را تنظیم و هدایت میکند؛ بنابراین، "توسعه سیاسی"، "جامعه مدنی" و "حزب چپ" آقای نگهدار کلیشه است؛ ابزار بند و بست از بالا است؛ امر جنبش اینها عمر خریدن برای جمهوری اسلامی است؛ اصلا کل هدف خاتمی و دوم خرداد و جنبش "اصلاحات" همین بود؛ به مشروطه شان رسیدند؛ تاریخ مصرف شان سر رسید؛ این اپوزیسیون ارتجاعی مدتهاست عمرش را کرده است. موقعیت اینها همیشه تابعی از موقعیت مخالفان درباری حکومت بوده است. اینها تنها در رکاب شاخه هایی از خود ارتجاع اسلامی میتوانند نقش بازی کنند و لاجرم امروز که جامعه از هر دو جناح نظام عبور کرده و تناسب قوا به نفع مردم و علیه جناحهای حکومتی تغییر کرده، این جریانات بیشتر طعم تلخ یک پایان را تجربه میکنند. برای همین است که اینها آشکارا و بی پرده در دشمنی هار با خواست سرنگونی و سازمانهای خواهان سرنگونی دست کمی از خامنه ای و شرکاء ندارند. ممکن است بخواهند با رادیکالیزه شدن صفوف مبارزات مردم و بلند شدن بوی الرحمن رژیم، دوباره اسب عوض کنند، اسم عوض کنند؛ اما فایده ای ندارد. رسوا تر از این حرفها هستند. امروز جناح "اصلاح طلب"، ماتریال سیاسی فرعی حاکمیت استبداد در متن جدال طبقاتی نوینی است که در ایران کلید خورده است. مردم به بیرون از حاکمیت، به کمونیستها و طبقه کارگر چشم دوخته اند؛

امروز جدال بین دو قطب اصلی یعنی کمونیست ها و ضد کمونیست ها، طبقه کارگر و بورژوازی، حاکمین و محکومین در جریان است؛ هراس از کمونیسم و تکفیر انقلابیگری طبقه کارگر، هراس از قد علم کردن نسل نوینی از کمونیست های طبقه کارگر، خواب راحت را از چشمان همه شان گرفته است؛ نسلی که نقیبی به کاپیتال مارکس و جنبش اجتماعی طبقه کارگر صنعتی زده است، مرعوب نخواهد شد؛ این نسل را نمیتوان مقهور کرد؛ حاکمیتی که دوران زوال خود را (و نه تاسیس خود را) طی میکند قادر به تکرار فاجعه دهه ۶۰ در مقابل این نیروی بلقوه و بلفعل نیست؛ بورژوازی ایران با حاکمیت کریه جمهوری اسلامی و به خون کشیدن انقلاب ۵۷ بلوغ سیاسی خود را طی کرد؛ نسل امروز، بدهکار آن عواقب و نتایج تاریخ جهاد امثال نگهدارها در پیشگاه جمهوری اسلامی نیست؛ این نسل عمق فاجعه را دیده است؛ ضدیت همه نحله های بورژوازی ایران با آزادی و رفاه و برابری و مدنیت را دیده است؛ این نسل تسلیم "کار ارزان" نمیشود، به سکوت و خاموشی تمکین نمیکند. جمهوری اسلامی و حامیان بورژوازی ایران را خوب می شناسد؛ استبداد را مزمره کرده است؛ اسیر اوهام و توهمات نمیشود؛ مقدرات زندگی خود و آینده خود را به رشد و توسعه سرمایه داری (بخوان) رشد و توسعه بیکاری و فلاکت، به حاکمیت اختناق و بردگی مزدی گره نمیزند؛ این نسل پس قراول بربریت "اصلاح سرمایه" نمیشود؛ این نسل بربریت را با بربریت تعویض نمیکند؛ اینروزها، عروج طبقه کارگر و

کمونیستها در عرصه سیاست و جامعه، نه تنها "اصلاح طلبان" را متواری کرده است، بلکه فراتر از آن، میخی بر تابوت جنبشی است که تاریخا دست بوس شاه و شیخ بوده است. آقای نگهدار و امثال ایشان روی این طناب لرزان زیاد دوام نخواهند آورد. رژیم اسلامی شاید هنوز در آزمایشگاه قراضه ایشان پروسه تخمیر "اصلاح" و "عادی سازی روابط" با عموسام را از سر بگذراند، اما برای میلیونها مردمی که از جناحهای حاکمیت عبور کرده اند و طعم تلخ ۴۰ سال نسل

کشی و تحمیل فلاکت و فقر توسط جمهوری اسلامی را چشیده اند، "اصلاحات دمکراتیک" (اسم رمز اصلاح جمهوری اسلامی) مسله نیست؛ صورت مسله هل دادن توده ای و اجتماعی این نظام به لبه پرتگاه است؛ این پیش شرط رهایی و آزادیخواهی است. به این اعتبار، امثال آقای نگهدار کماکان بارومتر عوامفریبی و دروغ در جامعه ایرانند؛ اینها فقط خط قرمز "خطر" انقلاب و قدرت کارگر و کمونیسم را ترسیم میکنند. امسال سال پایان اینها هم هست.

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خراسان)

www.hekmatist.com

سردبیر: آذر مدرسی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم